

در تعریف سینمای مستقل افتراقاتی وجود دارد. برای من سینمای مستقل تنها به معنای مستقل از سفارش و توصیه است

رفت و بیش از پنج تهیه‌کننده را دید. وقتی دوباره برگشت یک امکان مالی پیش آمده بود و من توانستم وارد پروژه شوم. دوباره فیلمنامه را بررسی کردیم و فکر می‌کنم «مامان» یکی از دقیق‌ترین فیلمنامه‌هایی بود که به دست من رسیده است. من فیلم‌هایی کار کردم که طرح یا ایده خوبی داشت و فیلم‌های خوبی از کار درآمد اما خواندن یک فیلمنامه مدون و بدون ایراد کار بسیار سختی است. این فیلمنامه امکان خوبی برای عوامل و گروه بازیگران فراهم کرد. فیلمنامه «مامان» خوب نوشته شد و بازیگران خوب هدایت شدند.

انتخاب بازیگر اصلی چگونه بود؟

برزگر: با رویا افشار ارتباط و همکاری دیگری داشتیم و همیشه درباره شعر و نقاشی حرف می‌زدیم و کمتر به سینما می‌پرداختیم. من با فیلم «دشمنان» با او همکاری کرده بودم. رویا افشار توسط مهدی؛ برادر من که در این سال‌ها نقش مهمی در تولید آثار سینمایی ما داشته است به آرش پیشنهاد شد. شاید آرش در ابتدا از این پیشنهاد خوشحال نشد اما از مواجهه اول این انتخاب قطعی شد. البته به نظر آرش انیسی هم به خانم افشار به‌عنوان یک گزینه فکر کرده بود. حالا که «مامان» را نگاه می‌کنم هیچ کس جز او نمی‌توانست نقش مامان را بازی کند. الان به این موضوع شک ندارم و اگر در اول به این

شناخت درست‌تری از خودم و جامعه برسم. یکی از شانس‌های من در این پروژه، حضور مجیدبرزگر به‌عنوان تهیه‌کننده‌ای صاحب نگاه بود.

دلیل اصرار بر فیلمنامه چه بود؟

انیسی: «مامان» اولین فیلمنامه‌ای نبود که من نوشتم. سال ۹۱ فیلمنامه‌ای داشتم که به‌دنبال پروانه ساخت آن رفتم و دوندگی کردم و در نهایت پروانه مشروط دادند. گفتند ما مانع ساخت این فیلم نمی‌شویم اما اگر دوست نداشته باشیم به آن مجوز نمی‌دهیم. در آن لحظه تهیه‌کننده انصراف داد. بعد از آن یک فیلمنامه سینمایی نوشتم و به شرایط و موقعیت تولید آن فکر می‌کردم و پس از آن مدام می‌نوشتم. وقتی به «مامان» رسیدم آنقدر مانع جلوی راهم سبز شده بود که گفتم حتماً پای این می‌ایستم تا به هر طریق ممکن آن را بسازم. چون احساس می‌کردم این فیلمنامه را بیشتر از همه می‌شناسم. حدود ۸ ماه این فیلمنامه را کنار گذاشتم و فیلمنامه دیگری هم نوشته بودم اما باز که خواستم تصمیم به ساخت آن بگیرم دوباره سراغ «مامان» رفتم. در آن بازه زمانی دهنم را برای نوشتن باز گذاشتم و سه فیلمنامه دیگر هم نوشتم که دوست دارم ساخته شوند.

یک ساعت دیگر قرار است چه اتفاقی بیفتد چون می‌دانم که کارها و مسئولیت‌هایم را انجام دادم. خیلی مواقع کارهایی را که در آن منفعت زیادی بوده است، براحتی نمی‌کنم چون احساسم این است دهنم را مریض می‌کند و انزوای من را بهم می‌ریزد. من ربطی به شخصیت مامان نداشتم بلکه آن را درک می‌کردم و چون برزگر پشت این کار بود مطمئن بودم که صادقانه است و قرار است همه چیز درست پیش برود. فیلمنامه آرش انیسی هم صادقانه بود، مخصوصاً برای من که وحشتناک کتاب می‌خوانم و می‌فهم کجای کار دروغ و جعلی است، جای چون و چرا باقی نمی‌گذاشت.

سینمای مستقل حضور کم‌رنگ و گاه قاطعی در فجر داشته است. آیا حضور «مامان» در جشنواره فجر امسال به معنای تثبیت این جریان است؟

برزگر: حتماً همین‌طور است. سال گذشته هم من دو فیلم در جشنواره فجر و در جریان اصلی سینمای ایران داشتم. امسال هم دو فیلم داشتم که تا آخرین مرحله رسیدند اما «مامان» در نهایت به نمایش آمد. این اتفاق محدود به من نیست سال گذشته نیز «تومان» و «قصیده گاو سفید» فارغ از خوب و بدشان در جشنواره بودند و این آثار در یک جبهه هستند. ما امکان بهتر زندگی کردن و ارتزاق بیشتر را

مجیدبرزگر: به نظرم سینمای مستقلی که می‌خواهد تأثیر بگذارد و مقصدش در اکران توده مردم نیست، راجع به آدم‌هاست و حادثه‌محور نیست



رویا افشار: من با مردم زندگی می‌کنم و آنها را می‌بینم و این کاراکتر را می‌شناسم. جذابیت این کاراکتر فقط در جنوبی بودن آن نیست بلکه واقعیت این است که من این زندگی جانگداز را می‌شناختم



آرش انیسی: این جشنواره‌ها تا زمانی که امثال این فیلم‌های مستقل را ببینند برای خودشان آبرو خریده‌اند. اگر هم نخواستند این آثار را ببینند نباید احساس ضعف کنیم



انتخاب شک داشتم نگران این بودم آیا شیمی فیلم درمی‌آید یا نه؟ بازیگری یک فن است که آدم‌ها در طول کار کردن به آن می‌رسند اما جان دادن به آدم‌ها و ترکیب آنها اهمیت دارد. من آخرین نفری که طی حدود دوسال پیگیری برای «پرویز» دیدم، لوون هفتوان بود. این جمله را خیلی شنیدم که تو اول لوون را پیدا کردی و بعد پرویز را برای آن نوشتی ما این‌طور نبود بلکه این لباس در قامت او خوب جافتا شده بود. همین اتفاق هم در «مامان» افتاد. انکار اول رویا افشار بود و بعد آرش انیسی برای آن فیلمنامه نوشت. اشاره کنم که خانم افشار به دلیل جنوبی بودن انتخاب نشده بلکه فیلمنامه جنوبی نوشته شده بود و سال‌ها در دست آرش بود.

چه دغدغه‌ای وجود داشت که پای این فیلمنامه بایستی؟

انیسی: وقتی فیلمنامه «مامان» را نوشتم دنبال کارگردانی آن بودم و این فیلمنامه متفاوت از تمام فیلمنامه‌هایی بود که می‌نوشتم و طبیعتاً به بازیگر هم فکر می‌کردم. در فیلم کوتاه «اول پاییز» عادل تبریزی خانم افشار را دیدم و فهمیدم او کاراکتر فیلم من است و جزو اولین گزینه‌هایی بود که در ذهن داشتم. در روند پیدا کردن سرمایه‌گذار و تهیه‌کننده کسانی‌ا‌ور به دلیل نداشتن گیشه کنار گذاشتند اما در این دوران همیشه خانم افشار در لیست گزینه‌های من بود. خوشحالم که با آن تهیه‌کننده و پیشنهاد بازیگران گیشه پسند «مامان» ساخته نشد. این نشدن‌های پیاپی، این را به من آموخت که فیلم ساختن به تنهایی اهمیتی ندارد، باور داشتن به کاری که انجام می‌دهی مهم‌تر از خود کار است. من تکنیک را خوب یاد گرفته بودم، فکر می‌کردم فیلمنامه نوشتن را بلد هستم اما باید می‌آموختم که شیمی کار خیلی مهم است. خوشحالم این اتفاق درجایی رخ داد که می‌توانیم پای نتیجه آن بایستیم و خوشحالم که در این سال‌ها ساخت این فیلم انجام نشد چون باید این اتفاق می‌افتاد تا من به

برزگر: «مامان» به خاطر فیلمنامه خوب و انرژی آرش باید تولید می‌شد. شاید واقعاً بدترین وجه این فیلم من هستم چرا که به‌عنوان تهیه‌کننده در فیلمی حضور داشتم که در شرایط سخت تولید شد. این به خاطر خالی بودن دست ما بود نه اینکه من می‌خواستم و نکردم. ما نسبت به تولید یک فیلم واقعی شرایط وحشتناکی داشتیم و فیلمبرداری در روزهایتمادی و با صرف ساعت‌های طولانی و خستگی عوامل انجام می‌شد. در این شرایط امکان مهیا کردن یک حمل‌ونقل ساده برای گروه وجود نداشت. البته همه پذیرفته بودند که این جنس از فیلم یا ساخته نمی‌شود یا سخت ساخته می‌شود.

افشار: من برخلاف آنچه به نظر می‌رسد بسیار آدم منزوی‌ای هستم. آنقدر خجالتی هستم که از سلام گفتن می‌ترسم. از رفتن در جمع پرهیز می‌کنم چون حوصله‌ام بشدت سری می‌رود و دوست دارم بروم و کارهای خودم را انجام بدهم که کارهای خوبی است. من بشدت صداقت را جذب می‌کنم و سر کار «ایستگاه اتمسفر» با آقای برزگر آشنا شدم.

برزگر: ما از کودکی و نوجوانی با شما آشنا بودیم و پیگیر کارهای تان. افشار: شما نمی‌دانید که حضور مردم فوق‌العاده صادق چقدر ارزش دارد. مردمی که تور را قضاوت نمی‌کنند به آدم حس خوبی می‌دهند اما از همه اینها مهمتر حضور دفتر برزگر و جو حاکم بر آن است که موجی از سلامتی در آن وجود دارد و من اینجا راحت می‌آیم و کار می‌کنم. از خیلی کسانی که به من نقشی پیشنهاد می‌دهند می‌پرسم دفتر شما کجاست؟ اگر بگویند سعادت آباد می‌گویم خدا حافظ و اصلاً نمی‌روم. متأسفانه کسانی که به این دلایل از من ناراحت شده‌اند. اما به دفتر برزگر با عشق و علاقه و پیاده از خانه به آن می‌آیم. من در روحیه و زندگی شخصی خودم هیچ ربطی به نقش مامان نداشتم چون زندگی را آن‌طور نمی‌بینم. اصلاً برای من مهم نیست که

داشتم اما با سرسختی پای این کار ماندیم. من از ابتدا نگران کارنامه خود بودم و نمی‌توانم در خلوت خودم عاشق سهراب شهید ثالث باشم اما فیلم فرمایشی بسازم. حضور «مامان» هم یک موفقیت است و فکر می‌کنم جزو پنج فیلم مهم جشنواره است. فکر می‌کنم هر هیأت داورای بود این فیلم را انتخاب می‌کرد.

حضور در فجر چه تأثیری بر کار شما دارد؟

انیسی: وظیفه داریم تا در دوره‌هایی از زندگی کارهایی را انجام بدهیم. من نگاهم را به تأثیرات مثبت فجر معطوف کرده‌ام اما اگر فیلم در جشنواره هم حضور نداشت باید مسیرم را می‌رفتم. من با این کار به خودم ثابت کردم هرچقدر محکم‌تر به زمین بخورم پوست کلفت‌تر می‌شوم. این جشنواره‌ها تا زمانی که امثال این فیلم‌های مستقل را ببینند برای خودشان آبرو خریده‌اند. اگر هم نخواستند این آثار را ببینند نباید احساس ضعف کنیم.

افشار: حقیقتاً جایزه گرفتن در جشنواره فجر برای من مهم نیست اما مگر ما جز فجر امکان دیگری داریم؟ با خودم می‌گویم چقدر خوب که این فیلم ساخته شد، چون باید ساخته می‌شد. حالا هر جوری که می‌خواهید با آن رفتار کنید. این فیلم دیگر وجود دارد؛ البته که خوشحال می‌شوم که به فیلم توجه شود چون ناگزیر می‌شوند این جنس از سینمای مستقل را ببینند. این جریان صادقانه به هنر می‌اندیشد. من هم تلاش خودم را کردم تا درست رفتار کنم.

برزگر: تا الان افراد زیادی «مامان» را ندیدند اما افرادی که از طیف‌های مختلف که آن را دیدند با فیلم ارتباط گرفتند و فکر می‌کنم «مامان» بضاعت ارتباط با مخاطب عادی را هم دارد. امسال به خاطر کرونا سال بدی شد و جشنواره‌ها یکی یکی برگزار نشد اما امیدوارم در ۲۰۲۱ اتفاقات خوبی برای فیلم در جشنواره‌های جهانی بیفتد.